

بررسی سبکی و محتوایی نسخه‌ای از دیوان اشعار عارف سنندجی؛ شاعر قرن سیزدهم هجری

صبحا حسینی، محمدعلی گذشتی*، اشرف شیبانی اقدام

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فروردین ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۳، صص ۷۲-۵۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6133

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: عارف سنندجی یکی از شاعران گمنام دوره قاجار و معاصر ناصرالدین شاه بوده است. از دیوان عارف تاکنون سه نسخه شناسایی شده که دو نسخه در مجموعه‌ها و آرشیوهای شخصی کشور (یک نسخه در گیلان و نسخه دیگر در سنندج) و یک نسخه در کتابخانه اوقاف در شهر سلیمانیه کشور عراق نگهداری می‌شود. وی سالها در سنندج و شهر تالش در استان گیلان سکونت داشته است. در این مقاله با معرفی نسخه‌ای از دیوان اشعار وی سعی بر این است که اشعارش از منظر سطوح سبک‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد.

روش مطالعه: این پژوهش بصورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و نسخه دیوان شاعر، جامعه آماری تحقیق است که با خوانش آن، موارد سطوح سبک‌شناسی فیش‌برداری شده و مقاله براساس تحلیل فیشها نوشته شده است.

یافته‌ها: بررسی ویژگیهای سبکی دیوان نشان می‌دهد شاعر انواع اوزان شعر فارسی را استفاده کرده است. این دیوان شامل قصاید، غزلیات، تضمینات، تخمیسات، ترجیع‌بند، مستزاد، رباعیات و مفردات است. از ویژگیهای شعری عارف در این دیوان مواردی مانند یکارگیری صنایع ادبی با مهارت و استادی، استفاده از ردیفهای فعلی کوتاه و طولانی و سؤالی و نیز استفاده بجا و شاعرانه از صنایع ادبی در حوزه بدیع لفظی و معنوی است؛ در سطح ادبی، سرشار از آرایه‌های ادبی است و آرایه‌های تشبیه، استعاره و تلمیح بیشترین بسامد را دارند؛ در مختصات فکری نیز مضامین عرفانی و صوفیانه وجود دارد.

نتیجه‌گیری: عارف از شاعران پرکار دوره بازگشت ادبی است که در شاعری پیرو شیوه سخنسرایی شاعران بزرگ قبل از خود است. سروده‌هایش زبانی ساده دارد، اما در کاربرد انواع آرایه‌های ادبی شاعری تواناست و به موضوعات عرفانی و اخلاقی توجه بیشتر کرده است.

تاریخ دریافت: ۰۹ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۰۴ تیر ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

عارف سنندجی، دیوان شعر، تحلیل سبکی و محتوایی.

* نویسنده مسئول:

Moh.gozashti@iauctb.ac.ir

۴۴۶۰۰۲۰۰ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the style and content of a Manuscript of the poetry collection of Aref Sanandaji, a poet of the thirteenth century AH

S. Hosseini, M.A. Gozashti*, A. Sheibani Aghdam

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 29 March 2022

Reviewed: 01 May 2022

Revised: 13 May 2022

Accepted: 25 June 2022

KEYWORDS

Aref Sanandaji, Poetry Divan,
Stylistic and Content Analysis

*Corresponding Author

✉ Moh.gozashti@iauctb.ac.ir

☎ (+98 21) 44600200

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Aref Sanandaji was one of the anonymous poets of the Qajar period and a contemporary of Nasser al-Din Shah. It is kept in Sulaimaniyah, Iraq. He has lived in Sanandaj and Talesh city in Gilan province for many years. In this article, by introducing a copy of his poetry collection, an attempt is made to examine his poems from the perspective of stylistic levels.

METHODOLOGY: The research has been done in the form of a library and the version of the poet's divan is the statistical population of the research.

FINDINGS: An examination of the stylistic features of the divan shows that the poet has used a variety of Persian poetry weights. The use of current short and long lines and questions, as well as the appropriate and timely and poetic use of literary industries in the field of rhetorical and spiritual novel. At the literary level, it is full of literary arrays and arrays of simile, metaphor and allusion are the highest. There are mystical and Sufi themes in the intellectual coordinates.

CONCLUSION: According to this study, it should be said that Aref is one of the most prolific poets of the literary return period who follows the style of speech of great poets before him in his poetic style. And morality has paid more attention.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6133](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6133)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 5	 0

مقدمه

در حوزه جغرافیایی زبان فارسی، شاعران و سخنوران بزرگی هستند که هنوز آثار آنان مورد بررسی قرار نگرفته و به جامعه ادبی معرفی نشده‌اند. تصحیح و معرفی این آثار به جامعه، گامی مهم در جهت غنای بیشتر ادبیات کشورمان است. در این پژوهش نسخه دیوان عارف سنندجی از شاعران دوره بازگشت ادبی از منظر سبک‌شناسی بررسی می‌شود. روش گردآوری اطلاعات تحقیق بصورت کتابخانه‌ای و انجام آن به روش توصیفی-تحلیلی است.

ضرورت و سابقه پژوهش

نسخه‌های خطی بازمانده از نویسندگان و شاعران گذشته، میراث بسیار ارزشمندی محسوب می‌شوند. از میان این حجم بسیار زیاد، بخش قابل توجهی را دواوین اشعار شاعران تشکیل می‌دهد. این دیوانها همواره مورد توجه مصححان، محققان و پژوهشگران بوده است. بررسی این اشعار، ما را با گذشته ادبی سرزمینمان آشنا میکند و موجب آشنایی با تحولات اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود. یکی از شاعران پرکار و گمنام دوره بازگشت ادبی که دیوان پرجمی از وی در قالبهای مختلف شعری بجای مانده، شیخ محمود سنندجی متخلص به «عارف» است که از پیروان و مبلغان طریقت نقشبندی در غرب کشور بوده است. آثار بجای مانده از شاعران دوره بازگشت ادبی و از جمله دیوان اشعار عارف سنندجی که در فنون شاعری بسیار توانا بوده‌اند یکی از این آثار کهن است. اهمیت این موارد نگارنده را بر آن داشت تا به معرفی نسخه‌ای از دیوان اشعار این شاعر گمنام و برخی ویژگیهای سبکی وی بپردازد.

تاکنون سه نسخه از دیوان شیخ محمود سنندجی (عارف) شناسایی شده است که در مراکز نسخ خطی و آرشیوهای شخصی نگهداری می‌شود. درباره دیوان شیخ محمود دو مطلب نوشته شده است. شیخ محمد خال،^۱ قاضی القضاة شهر سلیمانیه عراق، در مقاله‌ای مفصل به زبان عربی که به معرفی نسخه‌های خطی کتابخانه‌اش پرداخته است، درباره نسخه‌ای خطی از دیوان عارف سنندجی مینویسد: «دیوان فارسی شیخ محمود کردستانی، متخلص به عارف، شامل ۶۸۵۰ بیت است که با خطی زیبا و بدیع نوشته شده است. سرآغاز این دیوان شامل شرح بعضی اصطلاحات صوفیه و مقدمه و تقریظ ادیب بزرگ، ملا حامد بیسارانی، بر آن است؛ سپس قصایدی در مدح پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین، بیان سلسله طریقت نقشبندی، مدح شیخ سراج‌الدین، بیان سفر حج و عمره خود و قصیده‌ای در مدح شیخ بهاء‌الدین^۲ فرزند شیخ سراج‌الدین است. پس از آن اصل دیوان، بترتیب حروف هجا شامل غزلیات، رباعیات، مفردات، تضمینات و چند تخمیس است (خال، ۱۹۷۵: ۶۸۰). محمدعلی

^۱ - شیخ محمد خال: فرزند شیخ علی متولد ۱۲۸۳ هـ - ش از خاندانی عالم که سالها در شهر سلیمانیه در کردستان عراق بر مسند قضاوت بود. وی دارای آثار و تألیفات فراوانی به زبانهای کردی و عربی است. سرانجام در ۸۵ سالگی در سال ۱۳۶۷ شمسی دارفانی را وداع گفت (روحانی، ۱۳۹۰: ۲: ۵۴۹-۵۴۸).

^۲ - شیخ سراج‌الدین نقشبندی فرزند خال‌دیگ متولد ۱۱۹۵ ق در آبادی تویله از توابع شهر حلبچه در اقلیم کردستان عراق است. وی در ضمن تحصیل، به اندیشه‌های صوفیانه روی آورد و در نزد مولانا خالد نقشبندی، بنیانگذار طریقت نقشبندی، در کردستان به سلوک پرداخت و مشهورترین خلیفه وی در کردستان شد. طریقت نقشبندی در کردستان با نام وی توأمان است. وی در سال ۱۲۸۳ ق در هشتاد و هشت سالگی دارفانی را وداع گفت (همان، ج ۱: ۴۳۷-۴۳۹).

^۳ - شیخ محمد بهاء‌الدین: شیخ محمد بهاء‌الدین (۱۲۵۲-۱۲۹۸ هـ ق) فرزند ارشد و جانشین شیخ سراج‌الدین. پس از وفات پدر در سال (۱۲۸۳ ق) جانشین وی می‌شود و مدت یازده سال به ارشاد و تبلیغ طریقت نقشبندی می‌پردازد. شیخ محمود سنندجی پس از وفات شیخ سراج‌الدین با وی بیعت کرده و در سفر حج در سال (۱۲۹۱ ق) همراه شیخ بهاء‌الدین بوده است.

قره‌داغی، از پژوهشگران و نسخه‌شناسان ساکن شهر سلیمانیه عراق، در کتاب «احیاء تاریخ العلماء الاکرام من خلال مخطوطاتهم» مجلد هفتم پس از رؤیت نسخه کتابخانه شیخ محمد خال در سال ۲۰۰۵ میلادی، مطلبی را با عنوان: «نسخه‌ای نایاب از دیوان عارف» نوشته که پس از نقل خلاصه مطالب مقاله خال، به تعریف نسخه و اهمیت آن و افسوس بخاطر اینکه تاکنون چاپ و منتشر نشده پرداخته است. وی در ادامه به معرفی قالبهای شعری که شاعر در آنها شعر گفته پرداخته و در نهایت تصویر دو صفحه از آخر غزلیات و پایان نسخه را که تاریخ کتابت نسخه در آنها آمده، آورده است (قره‌داغی، ۲۰۰۵: ۳۸۳-۳۸۸).

بحث و بررسی

معرفی نسخه و ویژگیهای کلی آن

این نسخه با شماره ۵۶۸ و در اندازه ۲۱×۱۳ سانتیمتر متعلق به کتابخانه شخصی شیخ محمد خال قاضی القضاة سابق شهر سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق است که اکنون در کتابخانه اوقاف در شهر سلیمانیه نگهداری میشود. تعداد صفحات آن ۵۳۹ برگ است و در سال ۱۳۱۳ قمری توسط فردی به نام محمدجعفر فرزند لطفعلی بیگ کردستانی کتابت شده است. شماره‌گذاری صفحات توسط خود کاتب انجام شده است. کاتب خوشخط بوده و در کتابت از مرکب سیاه و قرمز استفاده کرده است. عنوانها و ابیات تخلص با مرکب قرمز و بقیه با مرکب سیاه نوشته شده است. نسخه کامل است و هیچ اثری از فرسودگی یا افتادگی ندارد. این نسخه به دستور ابی‌عبدالله شیخ ضیاءالدین نقشبندی، از بزرگان طریقت نقشبندیه، در قسمت کردنشین عراق استنساخ شده است. کاتب در دو جا، بار اول در پایان قصاید و غزلیات و بار دوم در پایان نسخه یعنی مفردات، اقدام به نوشتن تاریخ کتابت کرده است: «تمت الغزلیات دیوان عارف به عون عنایت حضرت قاضی الحاجات علی یدالحقیر کثیر الخطایات محمدجعفرخلف مرحوم لطفعلی بیگ کردستانی در یوم دوشنبه ۲۷ شهر سوال المکرم مطابق بیچی ایل سعادت دلیل حسب الامر مبارک حضرت مستطاب قدوه العلماء العاملين و الکاملین المستغرق فی تجلی ذات الله ابی عبدالله شیخ اعظم و مرشد اکرم الشیخ عمر الملقب بضیاءالدین ادام الله عمره و اقباله و فضله و ارشاده آمین یا رب العالمین».

و در پایان نسخه: تمت الکتاب دیوان العارف من کلام مرحوم مغفور حاجی شیخ محمود کردستانی علی الید اقل الکتاب والعباد محمدجعفر خلف مرحوم لطفعلی بیگ غفرالله حسب الفرمایش حضرت مستطاب نور المشرقین و ضیاءالمغربین القطب الواجد والغوث الساجد ابی عبدالله شیخ الم شایخ الشیخ عمر الملقب بضیاءالدین ادام الله تعالی اقباله وارشاده وبقاء اولاده واحفاده بجاه محمد و آله الامجاد بتاریخ یوم پنجشنبه ۹ شهر ذی قعدة الحرام بیچی ثیل ۱۳۱۳».

این نسخه شامل ۹ قصیده، ۶۸۰ غزل، ۴۷ تضمین، ۵ تخمیس، ۳ ترجیع‌بند، ۱۱ مستزاد، ۱۱۱ رباعی، ۲۳۷ فرد و در مجموع ۶۹۳۲ بیت است. در آغاز این نسخه، چند صفحه در شرح اصطلاحات صوفیه آمده که مؤلف آن مشخص نیست. این اصطلاحات عبارت است از: چشم، لب، رخ، زلف، خط، خال، بناگوش، ابو، غمزه، بوسه، دشنام، چین، جبین، تبسم، دشنام، قامت، رفتار، ناقوس، ترسابچه، قلندر، ساقی، و... .

رسم الخط این نسخه چنین است که کاتب «گ» را بشکل «ک» نوشته و «واو» عطف را بشکل «و» نوشته است. تنوین کلمات تنوین‌دار نوشته نشده است. بجای «ای» در کلماتی مانند «گشته‌ای» همزه گذاشته شده است. کلماتی مانند «تویی» بشکل «توی» نوشته شده است. در جدانویسی و پیوسته‌نویسی، کاتب «هی» و «به» را به

10

1

11

1

ردیف جمله: نمیکردم چه میکردم؟ (۳۱۹)؛ ردیف قیدی: آهسته‌آهسته (۳۷۸)؛ ردیف شبه‌جمله: خداحافظ (۲۷۸)؛ ردیف پرسشی: ز چه رو؟ (ص ۳۷۳)، ردیف صفت: لذیذ (۲۱۳).
بعضی ردیفهای زیبای دیگر:

آیدش عار وای بر من و دل / از منش یار وای بر من و دل (۲۹۴)
وعدۀ وصل ای نگار میدهم؟ بلی دهم / بوسۀ لعل آبدار میدهم؟ بلی دهم (۳۱۹)
جان دادن و یک بوسه خریدن مزه دارد / عتاب لب یار مکیدن مزه دارد (ص ۲۱۲)
از درد و غم هجر بمردم آوخ / کس نیست خبردار ز دردم آوخ (ص ۱۴۳)
توجه به بیت تخلص نیز از نگاه شاعر مغفول نمانده و تمام غزلیات و قصاید وی دارای تخلص است. بیت تخلص در تمام موارد بیت پایانی است. از مجموع ۶۸۰ غزل موجود در دیوان شیخ محمود عارف، ۲۸۳ غزل نامرذف است.

جدول چگونگی ردیفها

نوع ردیف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف ضمیری	ردیف بلند	ردیف حرفی
تعداد	۲۴۹	۷۹	۲۴	۲۳	۲۲

سطح لغوی

با اینکه عارف در دورۀ بازگشت میزیسته است و شاعران این دوره استفاده فراوانی از واژه‌های عامیانه و عربی کرده‌اند، اما با بررسی دیوان عارف متوجه میشویم درصد زیادی از لغات عربی بکاررفته، همان واژه‌های معمول بکاررفته توسط شاعران گذشته است و واژه‌های عامیانه بکاررفته نیز توسط وی بسیار اندک هستند. عارف گاهی اوقات علاقه‌مند به استفاده از شکل کهن کلمات است و نمونه‌های آن را در دیوان وی می‌یابیم.

واژه‌های عامیانه: همانطور که میدانیم شعر دورۀ بازگشت، تقلیدی از سبکهای دوره‌های گذشته است. شاعران این دوره با وجود اینکه اغلب اهل فضل و دانش و دارای معلومات خوبی بوده‌اند، گاهی از عبارات و واژه‌های رایج در زبان مردم استفاده میکردند و از این کار ابایی نداشتند؛ همانطور که پیشتر بیان شد واژه‌های عامیانه بکاررفته در دیوان عارف بسیار اندک و انگشت‌شمار است.

جان دادن و یک بوسه خریدن مزه دارد / عتاب لب یار مکیدن مزه دارد (۲۱۲)

بوسه‌ای زان لب نگار به چند / خندۀ شکرین یار به چند (۱۴۳)

عزیز من مکش شانه به تار زلف پرچینت / مده زین بیشتر جمعیت دلها پریشانی (۴۲۳)

دماغی چاق کن از مطرب و می / چه داری باک اگر افسانه باشی (۴۲۵)

کمترک پرس ز بند دل عارف جانا / مو به مو زلف تو شد بند گرفتاری ما (۳)

لغات عربی: واژه‌های عربی بکاررفته در دیوان عارف بیشتر لغاتی است که برای موضوعات و اندیشه‌های دینی و عرفانی، ستایش خداوند، نعت پیامبر اسلام، منقبت امامان اثنی عشر و بزرگان طریقت نقشبندی و نیز تلمیح به موضوعات مذهبی، داستانهای قرآنی و پیامبران است (ر.ک: زهد؛ ۱۲۸/ تقوا؛ ۲۵۲/ مفتی؛ ۲۰۵/ محتسب؛ ۲۳۹/ صوم و صلاه؛ ۳۶۲/ جنت؛ ۳۶۹/ علت غایبه؛ ۲۸۸/ شافع؛ ۱۴/ ظل ممدود - غیرممدود؛ ۶۶/ لامکان؛ ۱۱۲/ الغیث؛ ۱۳۶/ شان؛ ۴۲۲/ کلیم؛ ۳۲۹/ تجلی؛ ۲۷۳/ خاص‌الخاص؛ ۲۷۲/ ساقی؛ ۲۲۹/ قرب؛ ۲۲۰/ عالم لاهوت؛

۲۲۰ / ر ضوان؛ ۱۳۷ / و صل؛ ۶۳ / حج؛ ۳۰ / ضمیر؛ ۲۷ / جحیم؛ ۱۷ / شافع؛ ۱۷ / عظم رمیم؛ ۱۶ / ثالث؛ ۱۱ / ابن عم رسول؛ ۱۱ / شکرلله؛ ۳۶۵ / مصحف؛ ۷۸ / شفیع المذنبین؛ ۳۶۴ / قالوا بلی ۴۷ / فاتقوا الله یا اولی الالباب ۵۷.

کاربرد شکل کهن کلمات و اصطلاحات

این دهن نیست آب حیوان است / میرسیدیم بر لبش ای کاج (۱۳۹)

به غلط گفتیم که سنگ چیده آن بارگاه / در صفا و در بها افزونتر از سیم و زر است (۲۶)
که «غلط» به معنای «اشتباه و نادرست» است.

سطح نحوی: در این بخش به مهمترین ویژگیهای نحوی شعر عارف سنندجی اشاره میشود.
کاربرد فاعل جمع با فعل مفرد:

از گند گناه من ملائک چون نور ز سایه میکند رم (۱۶)

آوردن «می» پیش از «ن + می» برای تأکید:

بهر شیطان اگر شوی شافع به یقین می نمیرود به جحیم (۱۷)

جمع بستن کلمات فارسی به شیوه عربی:

منتفع از نور ایمان وی و اسلام او / طالبان هر شهو و سالکان هر دیار (۳۰)

شهر که واژه‌ای فارسی است به شیوه جمع مکسر جمع بسته است.

کوتاه کردن افعال:

آنچنان محوم به یاد روی موی پر خمت / مینتاتم فرق کردن وقت صبح و شام را (۳۷)

مینتاتم، بجای مینتوانم بکار رفته است.

کاربرد فعل به شیوه سبک خراسانی:

دلبر من در ملاحت در جهان یکتاستی / حسن خوبان جهان از حسن او پریاستی (۴۳۱)

اگر تو مست ز جام شراب نابستی / یقین بدان که شب و روز در ثوابستی (۴۶۳)

کاربرد «با» بجای «به»:

اگر یا من دهی جامی از آن می / کنم اسکندری در ملک دارا (۴۶)

کاربرد «واو» مباینه:

گل رویت کجا و باغ جنان / سرو قدت کجا و سرو روان (۳۶۲)

کاربرد واو معیت:

هجران تو خورد خون ما را / دست من و دامن وصال (۱۲۷)

کاربرد «همی» بجای «می»:

دل سخن با آن دهن دارد همی / میل بر سیب ذقن دارد همی

گرچه در کون و مکان بیرون بود / لیک جا در انجمن دارد همی (۴۳۷)

کاربرد می + ن + می:

بهر شیطان اگر شوی شافع / به یقین می نمیرود به بهشت (۱۷)

سطح ادبی

در دیوان عارف سنندجی در کنار حجم زیاد و زیبایی قابل توجه اشعار، گرایش به صنایع ادبی‌ای دیده می‌شود که به دور از تکلف و تصنع است. این صنایع به مناسبت در ضمن کلام می‌آیند و فارغ از پیچیده‌گوییهای تصنعی است. در اینجا به ذکر برخی از این صنایع که بسامد بیشتری دارند می‌پردازیم.

تشبیه: آرایه تشبیه در دیوان عارف سنندجی بسامد زیادی دارد. در بررسی اغلب تشبیهات اشعار این شاعر درمیابیم که تشبیهات معقول به محسوس و محسوس به محسوس نمود بیشتری دارند که در ادامه به ذکر چند مورد می‌پردازیم.

معقول به محسوس:

به کنج بیکسی عارف همی گفت / غم هجر تو باشد غمخورِ ما (۳۸)

بشکست شیشه عمر و شکست عهد عارف / ز تو کس نشان نداده سر مهر و هم وفایت (۱۱۲)

مرغ جانیش کرد پرواز از مکان لامکان / روح او واصل به ذات پاک حق داور است (۲۷)

دل منست که آرنی به طور تن گوید / که هست طالب رویت چو موسی عمران (۳۵۰)

اگر در بیستون دل کشیدم نقش شیرینش / کزین بستن ز هر قید گران آزاد می‌کردم (۳۳۲)

محسوس به محسوس:

با دیده شهلایت و ز زلف چلیپایت افکنده‌ام اندر دام هرجا بود آهوئی (۴۰۴)

نوع تشبیه	محسوس به محسوس	محسوس به معقول	معقول به معقول
درصد	۶۱٪	۳۹٪	۰

تشبیه مضمّر

چشم شوخ تو زند هر نفسی صد تیرم / ره مژگان تو بر سینه چه بازست امشب (۶۵)

تشبیه تفضیل

یارم از خانه برون آمد و بر بام دوید / از رخس ماه فلک رو به زوال است امشب (همانجا)

چرا نسبت کنی گل با رخ یار / رخس خجلت‌ده رضوان توان یافت (۶۷)

خرامان چون شوی بر طرف گلزار / خجالت سرو در بستان توان یافت (همانجا)

مگر از شمس رخت پرده برانداخته‌ای / اینچنین ای مه من ماه فلک بینور است (۷۲)

تشبیه بلیغ

تیغ لا بر سر اوهام کش / نفی کن تقيید را ای نکته‌دان (۳۶۴)

برای مرغ دل ای دلبر ما / شکنج زلف کردی آشیان را (۴۰)

نوع تشبیه	تشبیه صریح	تشبیه مضمّر	تشبیه تفضیل
درصد	۶۷٪	۳۲٪	۱۰٪

کنایه

منکرش را تا قیامت مات گردان همچون آن / کعبتین تخته نرد بختش اندر ششدر است (۲۸)
گویند صبور باش عارف / صبر از دل زار رخت بربست (۱۱۰)
بر بندگیت کمر ببسته / آدم چو مسیح ابن مریم (۱۵)
بیا بردار از رخ طیلسان را / ببر آب رخ باغ جنان را (ص ۴۰)

استعارهٔ مکنیه (تشخیص)

بید مجنون همچو مجنون خم شده از بار غم / گویا او نیز دارد درد عشق یک نگار (۲۹)
تا بر کفم نهادند سر رشتهٔ قضا را / با شوق بوسه دادم پیشانی قضا را (ص ۶)
فلک از هیبتش بلرزیدی / به زمین ریختی همه اختر (۱۰)
به دستم چون نیامد دامن وصل / بیا ای هجر جای توست خالی (۴۱۹)

استعارهٔ مصرحه

هر که ببند نرگس مستش به خواب / تا قیامت میشود مست و خراب (۶۱)
بهارست و عروسان بهاری جملگی جمعند / گل اندر پردهٔ نازست و بلبل در غزلخوانی (۲۳)
ماه من برداشت از رویش نقاب / همچو سایه گشت پنهان آفتاب (۶۱)

نوع استعاره	استعارهٔ مصرحه	استعارهٔ مکنیه
درصد	٪۷۶	٪۲۴

مجاز

بر آن سرم که جمالت به چشم سر بینم / امید هست که این کار هم خدا بکند (۱۸۴)
تقصیر ز من مگیر واعظ / کز نالهٔ دل جهان به جان است (۱۱۱)
تلمیح: صنعت تلمیح را که در دانش بدیع به «اشارتی ضمنی به گذشته‌های دور، اساطیر و داستانهای معروف تعریف کرده‌اند» (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۹: ۹۰) و بعضی هم آن را اشاره به آیه یا حدیثی یا مثلی در کلام میدانند (همایی، ۱۳۷۷: ۳۲۸). در دیوان عارف تلمیح را باید در چند حوزه دسته‌بندی کرد، از جمله تلمیحات غنایی، حکمی، عرفانی، دینی - قرآنی.

تلمیح غنایی

کی از دل مجنون برود شورش لیلی / گر در لحد تنگ کند مسکن و منزل (۲۹۸)
در عشق تو گه وامقم و گاه چو مجنون / چون مظهر حسن تو بود لیلی و عذرا (۳۵)
نیز (ر.ک: ص ۳۴۲ خسرو شیرین/ فرهاد و شیرین، ص ۳۶۳).
تلمیحات دینی: مانند داستان پیامبران و شخصیت‌های همعصر آنان مانند حضرت محمد (ص)، موسی، یوسف، یعقوب، ابراهیم، نمرود، و آذر بت تراش.
از هجر رخ یوسف، یعقوب ستم‌دیده / پیوسته به دل نالان همواره به جان محزون (۳۴۲)
یک به یک بتهای آذر را شکستی ای بتا / تا که آن خال و خط و رخ آشکارا کرده‌ای (۳۶۸)

نیز (ر.ک: ص ۳۶۸ موسی و کوه طور، ابراهیم، ص ۳۵، محمد، ص ۱۷۲-۱۷۳).

تلمیح به احادیث

به طفیل تو خلق شد دو جهان / ای جهانت مطیع و فرمانبر (۸)
که اشاره به حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک» درباره خلقت پیغمبر اسلام دارد (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۴۸۴).
نمی‌توان که نظر بازداشت از رخ خوب / جلا دهد به بصیرت نظاره محبوب (۵۸)
که اشاره دارد به حدیث «النظر الی المرأة الحسناء یزید فی البصر» (دانش‌پژوه، ۱۳۴۹: ۳۸)
تلمیح تاریخی و عرفانی
چنانکه من به خدنگ تو مردم ای مه من / نمرود هیچکس از تیر سعدبن وقاص (۲۷۲)
که ترکیب «تیر سعدبن وقاص» اشاره‌ای دارد به این مطلب که در منابع تاریخی آمده و آن این است که در
دومین رویارویی پیغمبر اسلام و یارانش با گروهی از کاروانیان قریش، دو گروه فقط به یکدیگر تیراندازی میکردند
و نخستین کس که از سپاه اسلام تیر انداخت سعدبن ابی وقاص بود (کاسب، ۱۳۷۸: ۴۱۰).
آنقدر یاد رخسار را به دل و جان کردم / یک یک اعضای من اکنون همه چون منصور است
ز دل لفظ اناالحق می‌برآید / چو منصور ار کشی بر دارم ای دوست (۱۲۵)

تجاهل‌العارف

این رخ است یا باغ فردوس است یا برگ سمن / وین قد دلدار یا شمشاد یا سرو چمن؟
ابروی یار است یا قوس قزح یا خود هلال / غنچه نشکفته فردوس یا صفر دهن؟
...هست این سیماب یا خود سیم صاف بیغش است / یا بلور آبدار است یا که آن نازک بدن؟
حوری است این یا ملک یا مهر و ماه آسمان / یا غزال چین و یا آهوی سرمست ختن؟ (۳۰۳)

مراعات‌النظیر

منکشف ازبهر رویش مهر و ماه آسمان / منفعل از قامتش شمشاد و سرو و عرعر است (۲۷)
چو دیدم آن خط و خال و رخسار به دل گفتم / خجالت از رخ او شمس و ماه و پروین است (۹۹)
قسم به آن خط و خال و دو زلف هندویت / دلم شکسته‌تر است از شکنج گیسویت (۱۱۰)
تضمین: شاعر به تضمین بسیار علاقه دارد و در دیوان وی ۴۷ تضمین وجود دارد که بیشتر این تضمینات به
غزلهای حافظ است.
لبالب گشت از درد و غم عشقش همه دلها / «الا یا ایها الساقی ادر کأسا و ناولها» (۴۳۹)

تضاد

عارف صبور باش مخور غم که بیگمان / هجر تو وصل گردد و شامت سحر شود (۱۰۶)
این عشق حقیقی تو عارف / یکباره چرا مجاز گردید (۱۶۳)

لف و نشر

کفر و اسلام به هم جمع کند زلف و رخت / روز حشر است یا لطف و عتاب است امشب (۶۳)

ایهام

از سر سوزن مژگان تو ای سنگین دل / روزن دل همه در عین کمال است امشب (۶۵)

جناس اشتقاق

عمر طی شد به غم و هجر، ندیدیم وصال / بود آیا که به وصلش دل ما شاد کند (۱۹۷)
آن علی ولی عرش ضمیر / بود عالی نژاد و فرخ فر (۱۲)

جناس محرف

نقل نقل است به مشرب امت / بس گوارا بود ز شیر و شکر (۸)
به خلق و خلق تو بهتر ز خیل خوبانی / نه بلکه مظهر شأن و صفات سبحانی (۴۲۳)

جناس زائد

مستان همگی مست ازین گردش ساغر / لیکن من از آن نرگس شهلای تو مستم (۳۰۹)
در عشق تو صدهزار مجنون / در مرتبه جنون چو من نیست (۱۱۸)
چو یاقوت لب تو قوت جان است / بده یاقوت دل هر انس و جان را (۴۰)

جناس مضارع

ز نور جبهت خورشید رویت / در رخشان ماه رخشان کرده‌ای باز (۲۴۴)

تکرار

رخت دیباچه حسن و ملاححت / ز حسن توست حسن جمله خوبان (۳۴۴)
نظر گر بر رخ جانان نمی‌کردم چه می‌کردم / رخس گر مظهر ایمان نمی‌کردم چه می‌کردم (۳۱۰)

واج‌آرایی

چون بخرامی به ناز ای مایه ناز / یقین از پا فتد سرو سرافراز (۲۴۳)
بدین خال و خط و چشم و دو ابرو / شکست خیل خوبان کرده‌ای باز (۲۴۴)

طرد و عکس

به تار زلف زنجیرم ندانم چیست تدبیرم / ندانم چیست تدبیرم به تار زلف زنجیرم
ز عمر خویشتن سیرم اجل دور سرت گردم / اجل گرد سرت گردم ز عمر خویشتن سیرم (۳۲۳)

عارف سنندجی و شاعران دیگر

در دیوان عارف از تعداد قابل توجهی از شاعران نام برده شده است و به تضمین یا تخمیس شعر تنی چند از شاعران مشهور زبان فارسی پرداخته است.

عارف و حافظ: عارف بیست و هشت غزل حافظ را تضمین و یک غزل را تخمیس کرده است. حافظ: الا یا ایها الساقی ادر کأسا و ناولها / که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها (غ ۱) عارف: لبالب گشت از درد و غم عشقش همه دلها / الا یا ایها الساقی ادر کأسا و ناولها (۴۳۹) حافظ: دلم جز مهر مهرویان طریقی برنمیگیرد / ز هر در میدهم پندش ولیکن درنمیگیرد (غ ۱۴۹) عارف: دلم جز عشقبازی شغلکی دیگر نمیگیرد / ز هر سو میدهم پندش ولیکن درنمیگیرد (۴۴۰) حافظ: المنه لله که در میکده باز است / زان رو که مرا بر در او روی نیاز است (غ ۴۰) عارف: سرهای خم می میکده باز است / زان رو که مرا بر در او روی نیاز است (۴۴۰) و غزل حافظ با مطلع «در دیر مغان آمد یارم غزلی در دست / مست از می و میخواران از نرگس مستش مست» (غ ۲۷) را تخمیس کرده است:

از ابر بدر افتاد خورشید جهان‌آرا / ذرات برقصدند از نور رخس یکجا
بنشست به ... نازان آن ماه ملک‌سیما / از نعل سمند او شکل مه نو پیدا
وز قد بلند او بالای صنوبر پست (۴۶۸)

عارف و سعدی

سعدی: دیگر نشنیدیم چنین فتنه که برخاست / از خانه برون آمد و بازار بیاراست (غ ۴۶) عارف: در وهم نیاید که چه رعنا و چه زیباست / از خانه برون آمد و بازار بیاراست (۴۵۵)

عارف و فخرالدین عراقی

عراقی: ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی / چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی عارف: تو به شهر دلبرایی چو خدای خود نمایی / چه شود ز کبریایی رخ خویشتن نمایی ز لطافت همانا که به چشم درنمایی / ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی (۴۶۵)

عارف و عبدالرحمن جامی: عارف سنجی یک غزل از جامی را تخمیس کرده است. عارف: گاه در صورت لیلی تو کنی جلوه‌گری / گاه مجنون شوی از عشق درو مینگری گهی غلمان جنانی و گهی حور و پری / لیک نه حور و نه غلمان و نه نوع بشری اینهمه بر تو حجابند و تو چیز دگری (۴۶۷)

عارف و هلالی جغتایی: عارف غزل مشهور منسوب به هلالی جغتایی (و در بعضی منابع منسوب به شیخ بهایی) به مطلع:

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه / خلقی به تو مشغول و تو غایب زمیانه (غ ۳۷۰)
را تخمیس کرده است.

عارف: رفتم به حرم بهر طوافش به شبانه / دیدم که نوازند به هم چنگ و چغانه
یک مغیچه میگفت به سوز و به ترانه / ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
خلقی به تو مشغول و تو غایب زمیانه (۴۶۹)

عارف و انوری

انوری: به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر / نامه اهل خراسان به بر خاقان بر (دیوان انوری، ص ۱۹۶)
عارف: بر در کوی دلآرا برو ای باد سحر / نامه درد دلم را بر آن دلبر بر (۲۱۸)
انوری: صبا به سبزه بیاراست باغ دنیا را / نمونه کرد زمین لاله‌زار عقبی را (دیوان: ص ۶۳)
عارف: بهار باز بیاراست باغ دنیا را / نمونه گشت جهان مرغزار عقبی را (۴۲)

عارف و قآنی

قآنی: به عید قربان قربان کنند خلق جهان / بتا تو عید منی من شوم تو را قربان (دیوان: ۲۵۴)
عارف: هر یکی قرباننی در عید قربان میکند / دم به دم ساعت به ساعت جان من قربان تو (۳۶۵)

عارف و رودکی

رودکی: بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی (دیوان: ۱۱۶)
عارف: دل هوای دلستان دارد همی / میل آن آرام جان دارد همی (۴۱۶)

عارف و نظامی گنجوی

نظامی: ای یاد تو مونس روانم / جز نام تو نیست بر زبانم (لیلی و مجنون: ۳۷۱)
عارف: جز نام تو نیست بر زبانم / جز یاد تو نیست بر ضمیرم (۳۱۲)

عارف و مولوی

مولانا: مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک / چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم (کلیات شمس تبریزی)
عارف: مرغ باغ عالم لاهوت بودم پیش ازین / حالیا پایسته دام از برای دانهام (۳۲۴)

سطح فکری

در بررسی دیوان عارف سنندجی میتوان به موضوعات و مضامین ذیل دست یافت:
فراق و هجران: یکی از موضوعاتی که در شعر عارف بسیار دیده میشود، هجران و فراق است و کمتر شعری از عارف هست که این موضوع در آن دیده نشود. این هجران و فراق دلایل متعددی دارد؛ گاهی هجران از مرشد، گاهی از مدینه و روضه مطهره پیغمبر اسلام (ص)، و گاهی از محبوب ازلی. دوری از روضه مطهره نبوی: وی بعد از بازگشت از سفر حج، اشعاری را درباره دور افتادن از سرزمین حجاز و مخصوصاً مرقد پیغمبر اسلام (ص) سروده است.

اگر گویم قدت سرو روان است / غلط باشد که او بهتر ز جان است
به زیر بار هجرت درد دوری / رخم زرد و قدم همچون کمان است ...
به طوف روضهات ای جان جانان / صف کروبیان آسمان است (۱۲۹)
غم هجرت برای عارف زار / غذا و قوت جان ناتوان است (۱۰۳)
گل رویت کجا و باغ جنان / سرو قدت کجا و سرو روان
به طفیل تو خالق مختار / کرد مخلوق جملگی اعیان ...
تا که عارف جدا شد از در تو / جان او هست همچون نی نالان (۳۶۲)
دوری از مرشد: وی نزدیک به پانزده سال در شهر تالش در استان گیلان به تبلیغ طریقت نقشبندی پرداخته است.

بیا ساقی از بزم بهر خدا / بده یک دو جام از می غمزدا

ببین ساقیا این غریبی من / چسان گشتم از یار جانی جدا ... (۴۷)

عشق: شیخ محمود عارف صوفی راستین پاک‌بازی است و در دیوان وی توصیفات عشق حقیقی بسیار دیده میشود. وی در دیوانش عشق را با این اوصاف یاد میکند:

معشوق یکی است و غیر او همه عاشق: «معشوق یکیست پس پرده و باقی محمود» (غ ۲۳۴)

عاشقی و عشق را قوت جان میداند:

مکن ملامت عارف ز عشق ای واعظ / چرا که عاشقی و عشق قوت جان باشد (۱۸۳)

کسی که عاشق نباشد حیوان است که فقط جان دارد و بس:

هر کسی مست نشد از مَی میخانه عشق حیوان است ولی داخل انسان نشود (۲۰۹)

عشق به نبی مکرم اسلام را عامل معموری جهان میداند:

ای ز عشق تو جهان معمور / وی ز حُب تو گشت دل مسرور (۲۳۲)

عشق مجازی را قنطره عشق حقیقی میداند:

تا دل و جان ندهی و نخری عشق مجاز / در ره عشق حقیقی نشوی محرم راز (۲۳۹)

صرف کردم عمر در عشق مجاز / آن زمان دیدم رخ یار حجاز (۲۴۱)

عشق را نصیب ازلی میداند:

این بود نصیب ما در آغاز / باشیم به درد عشق دمساز (۲۴۹)

در ازل عشق تو اندر دل ما پیدا بود / زین جهت قول بلی در بر ما زیبا بود (۱۸۹)

معمای عشق جز به امداد پیر باده‌فروش حل نمیشود:

این معمای عشق حق نشود / جز به امداد پیر باده‌فروش (۲۷۱)

عشق را هادی گمگشتان میداند:

راستی خواهی ز من ای راهرو / هادی گمگشتگان عشق است عشق (۲۸۸)

عشق را علت ایجاد عالم میداند:

علت غائیه در ایجاد خلق / بشنو از من بیگمان عشق است عشق (۲۸۸)

خود را در علم عشق‌بازی نادر میداند:

به علم عشق‌بازی عارفا کس نیست همدستم / ز بس در فن عشق دل بر آن اُستادِ استادم (۳۳۹)

غم عشق را «ابن عم» خود میداند:

غم عشقت به دل خود ابن عم است / نباشد بهتر از وی غمگساری (۳۳۹)

در هر دو جهان نعمتی بهتر از عشق نیست:

مکن ملامت من واعظا ز عشق بُتان / که نیست نعمت بهتر ز عشق در دو جهان (۳۵۵)

عشق، خضر راه رهروان است:

ای رونده راه کوی معرفت / خضر راه رهروان عشقست عشق (۲۸۸)

حالات عاشق: شیخ محمود عاشق معشوق ازلی است. وی در اشعار خود حالات عاشق واقعی را این‌چنین بیان کرده است: عاشق به درد هجران و فراق مبتلاست و در اشعار متعدد به این موضوع اشاره کرده است. این هجران گاهی از مدینه و روضه مطهره نبی مکرم اسلام است و گاهی از مرشد معنوی و گاه معشوق ازلی. صلاح و تقوا از عاشقان بر نمی‌آید:

مجو صلاح و تقوا ز عاشقان رُخش / شرابخواره و دُردی کشند و شاهدباز (۲۵۲)
رخسار عاشق زرد است و آن را به زعفران تشبیه کرده است:
گر بگویم روی عاشق از فراق / زرد شد چون زعفران نبود دروغ (۲۸۲)
خود را عاشق و رند و پیمانه‌کش و شاهدباز میدانند:
عاشق و رندم و پیمانه‌کش و شاهدباز / منتقل گشت به من منصب و ارث پدرم (۳۱۳)
خود را همنشین سگان کوی محبوب میدانند که از توصیفات رایج در ادبیات فارسی است:
رفت آن دولت ز دستم ای دریغ / با سگان کوش بودم پیش از این (۳۴۷)
خود را در فن عاشقی شهره میدانند که عشاق جمله از او کسب فنون عشق‌بازی میکنند:
عارف به فن عاشقی چنان شهره‌ام به شهر / عشاق جمله کسب کنند از فنون من (۳۵۴)
اشک خونین و رُخ زرد و قد همچو کمان / هر یکی بر عَلم عشق نشان است نشان (۳۵۸)
عشق، شافع روز محشر است:
«عارف» از عشق رخ متاب که عشق / بهر تو شافع است در محشر (۱۴)

زهد و زاهد

دل زاهد ز گنج عشق خالیست. (ص ۱۲۸)
غم عشقش نصیب عاشقان است / دل زاهد ز گنج عشق خالیست (۱۲۸)
«عارف» زهد را به می میفروشد:
«عارف» این زهد را به می بفروش / قدحی درکش و بخوان اشعار (۲۳۷)
زاهد خودبین است:
زاهد خودبین نگر توبه ز می کرده بود / باده چشمش چو دید باز به پیمانه شد (۱۸۸)
زاهد برای جنت تلاش میکند، اما عارف (عاشق) برای دیدن روی محبوب:
زاهد برای جنت هر دم رود به هر سو / عارف برای رؤیت هر جا کند تکاپو (۳۶۹)

صوفی

صوفی از عشق خبر ندارد:
نداری خبر صوفی از عاشقی / چرا بر تو خوانند طومار عشق (۲۸۹)
صوفی ز سرّ عشق کجا باخبر شود / تا آنکه میل او بسوی خواب و خور شود (۱۰۶)
صوفی را با صفت «خشک» آورده است:
صوفی خشک ندیدست رُخ یار به خواب / زانکه اندر طلبش همت او قاصر بود (۲۰۴)
فرق صوفی و عارف را اینگونه بیان میکند:

میان صوفی و عارف همین فرقست گر دانی / که او از حشر و من از قدّ آن دلدار میترسم (۳۱۵)

نعت و ستایش پیغمبر اکرم، امامان اثنی عشر، خلفای را شادین و بزرگان طریقت نقشبندی: در دیوان عارف اشعاری در نعت و ستایش پیغمبر اسلام، امامان اثنی عشر، خلفای را شادین و بزرگان طریقت نقشبندی وجود دارد که میتوان به سه قصیده، اولی ۸۶ بیت در نعت پیغمبر اسلام و خلفای را شادین (صص ۸-۱۴)، دومی (۳۴ بیت) (صص ۱۴-۱۶) و سومی (۳۲ بیت) (صص ۱۶-۱۸) هر دو در نعت پیغمبر اسلام و قصیده‌ای در ستایش امامان اثنی عشر و بیان سلسله پیران طریقت نقشبندی (صص ۱۹-۲۳) و نیز قصیده در ستایش مرشدش شیخ

سراج‌الدین نقشبندی (ص ۲۳-۲۵) و دو قصیده دیگر در مدح شیخ بهاء‌الدین فرزند و جانشین شیخ سراج‌الدین (صص ۲۶-۳۲) اشاره کرد.

نعت پیغمبر اسلام (ص)

یک به یک آیت کلام الله	از صفات تو میدهند خبر
به طفیل تو خلق شد دو جهان	ای جهانت مطیع و فرمانبر
ای تو منظور جمله ثقلین	وی تو محبوب خالق اکبر
بوالبشر تا که عیسی مریم	همه بر بندگیت بسته کمر
همه اسرارهای لاهوتی	در ضمیر شریف تو مضمّر
بر همه انبیای اولوالعزم	هم تویی تاج و هم تویی افسر
خاتم الانبیا تویی بیشک	انبیای رسل تویی رهبر
جسم پاک تو جملگی جانست	علم الله که جان به از جوهر (۸)

ستایش علی بن ابی طالب (ع)

آن امام همای اهل انام	فاتح باب و قلعه خیبر
زوج زهرا و ابن‌عم رسول	اسدالله غالب و حیدر
قالع کفر در صحیفه دهر	نخل ایمان ازو گرفت ثمر...
علی آن باب علم پیغمبر	علی او بود بحر بی معبر
علی آن قاسم است در جنت	علی آن ساقی است در کوثر...

(صص ۱۱-۱۲)

ستایش امامان اثنی عشر علیهم السلام

به نیروی علی آن شیر یزدان	که او قصر ولایت راست بنیان
به آن شهزاده‌های پاک گوهر	دو نور دیده زهرا و حیدر
حسن سرخیل افواج سعیدان	حسین تشنه لب شاه شهیدان
به زین‌العابدین پاک گوهر	علی بن الحسین از نسل حیدر
به سیاح فضای ملک ناسوت	به سباح بحار غیب لاهوت
محمدباقر آن فخر زمانه	که فوق‌العرش بودش آشیانه
به حق مجمع‌البحرین جعفر	که در راه هدی شد خضر رهبر... (۱۹)

شیخ سراج‌الدین استاد و مرشد معنویش (فوت ۱۲۸۳ قمری)

بشارت میرسد از پیر میخانه به پنهانی	دگر باره جوان شد این چمن از ابر نیسانی
بهار است و عروسان بهاری جملگی جمعند	گل اندر پرده ناز است و بلبل در غزلخوانی
ز یک سو قمری بیچاره با طوق وفاداری	زند کوکو ز شور قامت آن سرو بستانی
شنیدستم ز نرگس مست مستان اینچنین گوید	به جان هستم غلام آن دو چشم یار رضوانی...

تموّج گر کند بحر محبت در دل جاناش / ز یک رشحه شود مست ابد شاه خراسانی (۲۴)

شیخ محمد بهاء‌الدین فرزند و جانشین شیخ سراج‌الدین

ساقیا پیر مغان فتوی می خوردن داد / زود بشتاب از برایم چنگ و عود و می بیار
من درین عشرت بدم قاصد رسید و مؤده داد / از طواف سینه باز آمد شه شیرین‌سوار
آنکه اسم او محمد کنیه او بوالبهاء / نایب پیغمبر آمد بیگمان چون یار غار...
گر محمد نیست مقبول محمد از چه رو / افضل و اکرم بود از قطب و غوث روزگار
(صص ۳۰-۳۱)

علم

شیخ محمود بنا به عقیده عرفا، خداوند را عالم به جزئیات میدانند. امام محمد غزالی درباره علم خداوند مینویسد: «خداوند به تمام معلوماتی که موجودند و به معدومات و چیزهایی که الآن وجود خارجی ندارند اما در آینده پا به عرصه هستی میگذارند عالم و آگاه است» (خالدیان ۱۳۸۹: ۱۲۲).
از پیش تو مخفی و پوشیده ماند / ذرات سراسر ز ثری تا به ثریا (۴۶)
عارف تحصیل علوم رسمی را حجاب میدانند:
تحصیل علم رسمی یکسر حجاب باشد / برگرد و باز برخوان از درس عشق بایی (۳۹۰)

کاربرد اصطلاحات و تعبیر علمی

اصطلاحات عرفانی

پیر میخانه به ما چون داد یک رطل گران / اینچنین مست و خرابم کرد بین خاص و عام (۳۰۹)
وصل عریان کی بود یا رب نصیب / دل به درد هجر باشد در عذاب (۶۱)
مقصود شاعر از این اصطلاح وصلی است که هیچ حایل و مانعی بین عاشق و معشوق نمانده باشد و این اصطلاح را از حدیث «انا النذیر العریان» گرفته است.
من رند و نظربازم و هم عاشق بیدین / از سرزنش خلق جهان عار نداریم (۳۲۸)
ز دل لفظ اناالحق می‌برآید / چو منصور ار کشی بر دارم ای دوست (۱۲۵)
(نیز ر.ک: میخانه. بتکده. خانه خمار؛ ص ۳۰۷ / ترسابچه؛ ص ۲۷۴ / پیر می‌فروش؛ ص ۲۶۷ / قرب؛ ص ۲۲۱ و ص ۲۰۴ / صوفی و عارف؛ ص ۳۱۵ / مغبچه؛ ص ۳۶۲ / پیر باده‌فروش؛ ص ۲۷۱ / میخانه عشق؛ ص ۲۰۹ / وصال؛ ص ۳۵ / خرابات مغان؛ ص ۴۵ / زلف؛ ص ۴۵ / هجران؛ ص ۶۹ / خرابات؛ ص ۷۱ / فنا و بقا؛ ص ۹۹ / می مغان؛ ص ۱۵۴ / سالک؛ ص ۱۷۲ / قلندر؛ ص ۱۸۷ و ۳۵۵ / بوسه؛ ص ۲۰۳ / واصل؛ ص ۲۰۸ / تجلی؛ ص ۲۲۳ / خال؛ ص ۱۶۸).

اصطلاحات فلسفی

کوتاه کنم قصه زلفین بلندت / تا سر نکشد بحث به دور و به تسلسل (۲۹۶)

اصطلاحات و آلات موسیقی

زود برخیز و بده جام شراب / گرم کن مجلس به آواز رباب (۶۰)

مجلس‌ت ساز کن به چنگ و رباب / دور ده ساقیا به جام شراب (۶۴)
ساقی دو سه جام صاف بیغش / ساقی تو بزن نی و چغانه (۳۸۰)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نسخه‌ای از دیوان عارف سنندجی معرفی و ویژگیها و مختصات سبکی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار گرفت. نتایجی که از این پژوهش بدست آمد این است که شعر عارف بلحاظ زبانی، ساده و فتون بلاغی مورد استفاده نیز طبیعی و بدون پیچیدگی است. شعر او دارای ویژگیهای دوره بازگشت ادبی است. در حیطه سبک ادبی، آرایه‌های استعاره، تشبیه و تلمیح در شعرش بسامد بیشتری نسبت به آرایه‌های دیگر دارد. وی توانسته است از بیشتر صنایع بیانی و بدیعی در شعرش استفاده کند. مضامین عرفانی ویژگی برجسته سطح فکری اوست.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی استخراج شده است. آقای دکتر محمدعلی گذشتی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای صباح حسینی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم اشرف شیبانی مقدم به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Al-Qare Daghi, MohammadAli. (2007). Revival of Tarikh al-Ulama al-Ikrah Man during their manuscripts, volume VII, first edition, Aras, Arbil.
- Danesh-pajoh, MohammadTaqi. (1970). Farsi translation and description of Shahab al-Akhbar, Tehran: Tehran University Press.
- Divan Anvari. (2014). by Parviz Babaei, second edition, Tehran: Negah.

- Divan Hafez. (2017). with a collection of notes and notes by Allameh Mohammad Qazvini, under the care of A. Jorbozedar, 8th edition, Tehran: Asatir.
- Divan Helali Joghtai. (1989). edited by Saeed Nafisi, Tehran: Sana'i Library.
- Divan Jami. (1962). edited by Hashem Razi, Tehran: Pirouz.
- Divan of poems of Sanandaji Sheikh Mahmoud Author: Mohammad Ja'afar Khalaf Lotf Ali Bey Kurdistan Date of writing 1313 AH. Awqaf library. Sulaymaniyah, Iraq, No. 568.
- Divan Qa'ani. (1957). with correction and introduction by Mohammad Ja'afar Mahjoub, Tehran: AmirKabir.
- Forozanfar, Badi al-Zaman. (2006). hadiths and stories of the Masnavi, complete translation and rearrangement of Hossein Davoudi, Tehran: AmirKabir.
- Golestan Sa'adi. (1998). corrected and explained by Gholamhossein Yousefi, fifth edition, Tehran: Kharazmi.
- Homa'ei, Jalaluddin. (1998). Rhetorical Techniques and Literary Industries, 15th edition, Tehran: Homa.
- Kasab, Azizullah. (1999). History of the Prophets, second edition, Tehran: Goli.
- Khal, Mohammad. (1975). "Manuscripts of the library of Sheikh Muhammad al-Khal in Sulaymaniyah", *Al-Kurdiyah Iraqi Scientific Conference Magazine* 1(1), pp. 695-625.
- Khaledian, Mohammad Ali. (2008). Analysis and adaptation of theological ideas in Maulavi's Masnavi with a view of other theologians, Tehran: Ehsan.
- Koliat Fakhruddin Iraqi. (2008). corrected and explained by Mohsen Pouyan, Tehran: Sayehgostar.
- Rouhani, Baba Mardokh. (2010). Famous Kurdish History, vol. 1 and 2, third edition, Tehran: Soroush.
- Shamisa, Sirus. (2000). A new look at the novel, 12th edition, Tehran: Ferdous.

فهرست منابع فارسی

- خال، محمد (۱۹۷۵)، «مخطوطات مکتبه الشیخ محمدالخال فی السلیمانیه»، مجله مجمع علمی العراقی الهیئه الكردیه، المجلد الأول، العدد الأول، صص ۶۹۵-۶۲۵.
- خالدیان، محمدعلی (۱۳۸۸)، تحلیل و تطبیق اندیشه‌های کلامی در مثنوی مولوی با نگاهی به دیگر متکلمان، تهران: احسان.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۹)، ترجمه و شرح فارسی شهاب الاخبار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیوان اشعار سنندجی شیخ محمود کاتب: محمدجعفر خلف لطفعلی بیگ کردستانی تاریخ کتابت ۱۳۱۳ق. کتابخانه اوقاف. سلیمانیه عراق شماره ۵۶۸.
- دیوان انوری (۱۳۹۴)، به اهتمام پرویز بابایی، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- دیوان حافظ (۱۳۹۶)، با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی، به اهتمام ع. جریزه‌دار، چاپ هشتم، تهران: اساطیر.
- دیوان قآنی (۱۳۳۶)، با تصحیح و مقدمه محمدجعفر محجوب، تهران: امیرکبیر.
- دیوان کامل جامی (۱۳۴۱)، ویراسته هاشم رضی، تهران: پیروز.
- دیوان هلالی جغتایی (۱۳۶۸)، به تصحیح سعید نفیسی، تهران: کتابخانه سنایی.

روحانی، بابامردوخ (۱۳۹۰) تاریخ مشاهیر کرد، ج ۱ و ۲، چاپ سوم، تهران: سروش.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۹) نگاهی تازه به بدیع، چاپ دوازدهم، تهران: فردوس.

فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۵)، احادیث و قصص مثنوی، ترجمه کامل و تنظیم مجدد حسین داوودی، تهران: امیرکبیر.

القره داغی، محمدعلی (۲۰۰۷)، احیا تاریخ العلماء الاکرام من خلال مخطوطاتهم المجلد السابع، الطبعة الاولى، آراس، اربیل.

کاسب، عزیزالله (۱۳۷۸)، تاریخ انبیا، چاپ دوم، تهران: گلی.

کلیات فخرالدین عراقی (۱۳۸۸)، تصحیح و توضیح محسن پویان، تهران: سایه‌گستر.

گلستان سعدی (۱۳۷۷)، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ پنجم، تهران: خوارزمی.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ پانزدهم، تهران: هما.

معرفی نویسندگان

صبح حسینی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: Sabahhosseini@yahoo.com)

محمدعلی گذشتی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: Moh.gozashti@iauctb.ac.ir)

اشرف شیبانی اقدم: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: a.sheibaniaghdam@iauctb.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Sabah Hosseini: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: Sabahhosseini@yahoo.com)

Mohammad Ali Farsadi: Associate Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Email: Moh.gozashti@iauctb.ac.ir : Responsible author)

Ashraf Sheibani Aghdam: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: a.sheibaniaghdam@iauctb.ac.ir)